

تجاوز به عنف، در سیستم قضائی ایران قابل اثبات نیست



فیروزه فروزانفر

کرج می شد و به سمت خانه اش می رفت . تازه عروس بود و هنوز خانه - منصوره هر روز از میدان آزادی سوار ماشین های کرایه آزادی بوی نویی و تازگی داشت .

یک روز بعد از کار منصوره سوار ماشینی شد که بقیه مسافرهایش مرد بودند . ماشینی که از میان راه به جاده فرعی پیچید و آنچه نباید اتفاق افتاد . منصوره را کنار جاده رها کردند و رفتند . عروس جوان اگر چه به نیروی انتظامی شکایت کرد ولی هرگز پس از گذشت ده سال داغ آن عصر جهنمی را فراموش نکرده است .

در دادگاه باز شد و هنوز که هنوز است متجاوزان دستگیر نشده و معلوم نیست سر چند " تجاوز به عنف " پرونده شکایت وی با عنوان نفرديگر مثل منصوره این بلا را آورده اند .

تجاوز به عنف و قانون

عنف در لغت به معنی خشونت و زور است و منظور از اصطلاح تجاوز به عنف انجام نزدیکی جنسی بدون رضایت زن و با استفاده از قهر تجاوز به عنف در همه کشورها مجازات شدیدی دارد و به و غلبه است. تجاوز به عنف جرمی در ردیف مجازات های جنایی است. جنایت مربوط است. در قانون جمهوری اسلامی ایران در ماده 82 قانون مجازات اسلامی مجازات تجاوز به عنف اعدام است.

اعم از دائم و موقت البته باید توجه داشت که در قوانین ایران تجاوز به عنف تنها در چهارچوب رابطه خارج از چهارچوب مشروع ازدواج - به رسمیت شناخته شده است . بنابراین توسل به خشونت جنسی در روابط میان زن و شوهر تجاوز به عنف محسوب نمی شود .

فرقی بین جوان و غیر جوان و محسن و غیر محسن نیست

چندی پیش روزنامه خراسان در همین زمینه مصاحبه مفصلی با قاضی عزیزی از وكلا و قاضی سابق دیوان عالی کشور انجام داد و نظر وی را درباره جزای اقدامات مجرمانه تجاوز به عنف جویا شد.

وی در این خصوص گفت : طبق ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی حد زنا در ۳ مورد، قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان و محسن و غیر محسن نیست که این موضوع نیز با توجه به مقررات بین المللی جای بحث و بررسی دارد. این قاضی دادگستری زنا را دارای انواع مختلف دانست و گفت : اولین مورد تجاوز به عنف به محارم نسبی است و دومین آن تجاوز مرد غیر مسلمان به زن مسلمان و بعدی زنا به عنف که موجب قتل زانی اکراه کننده است . اما نکته مهمی که در مورد تجاوز به عنف مطرح می شود، موضوع اثبات زنا و از آن مهمتر اثبات این است که آیا زنا بدون رضایت زن و با قهر و غلبه صورت گرفته است یا خیر؟ و اثبات این موضوع نیز بر عهده قربانی است. بنابراین، اگر چنانچه زنا مورد انکار مرد باشد زن باید آن را اثبات کند و در عین حال باید ثابت کند که نزدیکی بدون رضایت وی رخ داده است.

به عقیده کارشناسان، در تجاوزهای دسته جمعی مانند آنچه در خمینی شهر اصفهان و روستای قوژد کاشمر روی داده، اثبات آن زیاد سخت نیست اما در تجاوز به عنف که گاه در جامعه مواردی از آن اتفاق می افتد، قربانی باید شواهد و قرائن یا گواهی پزشکی قانونی برای اثبات جرم به محکمه ارائه کند.

دکتر بابک رزم ساز، معاون دادستان تهران و سرپرست دادرسی صادقیه با اشاره به جرم تجاوز به عنف، میگوید: اگرچه قانون ما سنگینترین

مجازات را برای زنا به عنف تعیین کرده است، اما ما در تعریف این جرم، خلاء قانونی داریم. رزم ساز توضیح میدهد: تجاوز در معنای گسترده هر گونه تعرض جنسی نسبت به زن است ولی ممکن است تعرضات جنسی به اندازه تعریف شرعی زنا نرسیده باشد. حال آنکه، این مسئله به طور خاص و جداگانه در قانون، جرمانگاری نشده و لازم است در این زمینه (منبع بررسیهای لازم انجام شود).

باید متهم در نزد قاضی ۴ بار اقرار کند و اقرارهای وی در نزد پلیس ملاک رای قاضی نیست. قاضی عزیزی نیز در این باره می گوید: همچنین طبق ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی یکی از شرایط اثبات زنا، علم قاضی است که از طریق متعارف حاصل می شود، یعنی این که قاضی می تواند با توجه به اقرارهای کسانی که مورد تجاوز قرار گرفته اند و سایر قرائن و شواهد، جرم متهم را زنا به عنف تشخیص (منبع داده و حکم صادر کند).

اقرار و انکار

است. های میدان آزادی مورد آزار جنسی قرار داده را میان شمشاد «سوگل» مرد جوان متهم است سه سال قبل دختری به نام من دانشجوی دندانپزشکی هستم و در شهرستان درس « سوگل ساعتی بعد از این حادثه خود را به ماموران پلیس رساند و به آنها گفت: دیروقت به تهران رسیدم. قرار بود پدرم دنبالم بیاید اما وقتی از اتوبوس پیاده شدم او را ندیدم، برای همین با - روز حادثه- خوانم. امروز می وی تماس گرفتم و او توضیح داد کجا ایستاده است. چون مطمئن نبودم مسیری که می روم درست است از مرد جوانی سوال کردم، به من گفت از میان شمشادها بروی چند دقیقه بیشتر راه نیست.

من هم همین کار را کردم، یکدفعه احساس کردم کسی تعقیب می کند. تا بتوانم به خودم بیایم و فرار کنم آن شخص من را از پشت گرفت و همان مرد جوانی بود که از او آدرس پرسیده بودم. او مرا به زمین کوبید و مورد آزار قرار داد. هرچه سعی کردم در برابرش مقاومت کنم، نتوانستم. التماس کردم و خواستم مرا رها کند اما توجهی نکرد و به من تجاوز و بعد با لباس های پاره رهایم کرد و گریخت..

دختر جوان گفت: وقتی بلند شدم و سعی کردم کشان کشان خودم را از میان شمشادها بیرون بیاورم، متوجه شدم تلفن همراه مرد متجاوز است که آن را برداشتم و به ماموران دادم. روی زمین افتاده

وقتی پرونده تشکیل شد و به دادسرا رفت بازپرس دستوربازداشت این مرد را صادر کرد سپس مرد جوان مورد بازجویی قرار گرفت و به تجاوز اعتراف کرد..

وقتی قضات از متهم خواستند درباره اتهامش توضیح بدهد او هم اتهامش را قبول کرد و گفت که به دختر دانشجو تجاوز کرده است. بعد از چند جلسه بازجویی و اعتراف متهم به تجاوز، جلسه محاکمه برگزار شد اما مرد جوان این بار گفت اتهام را قبول ندارد و این دختر خودش خواست با من رابطه داشته باشد قضات شعبه 72 دادگاه کیفری استان تهران بعد از محاکمه مرد جوان، وی را مجرم شناختند و او را به اعدام محکوم کردند. متهم به رای صادره اعتراض و پرونده به دیوان عالی کشور رفت .

قضات دیوان رای صادره را نقض و اعلام کردند چون او اتهامش را در جلسه محاکمه انکار کرده است بنابراین حکم درست نیست و شعبه هم عرض باید به پرونده رسیدگی کند.

این بار پرونده به شعبه 77 دادگاه کیفری استان تهران رفت و قضات این شعبه متهم را يك بار دیگر محاکمه کردند.

باشد و بعد هم چون از کارش پشیمان شد این مرد باز هم اتهام تجاوز را رد کرد و گفت: دختر دانشجو خودش خواست با من رابطه داشته از من شکایت کرد.

این انکار کارساز نبود، چرا که هیات قضات شعبه 77 اعلام کردند متهم را مجرم می دانند زیرا او چهار بار نزد قضات شعبه 72 به جرم خودش اعتراف کرده است، ضمن اینکه ادعای او در مورد دختر دانشجو نمی تواند صحت داشته باشد زیرا شاکی دانشجوی رشته دندانپزشکی است و شأن خانوادگی بالایی دارد و حتی اگر بخواهد با کسی رابطه داشته باشد این عمل را میان شمشادهای میدان آزادی انجام نمی دهد.

است. دهنده عدم تمایل او برای برقراری رابطه و این نشان ضمن اینکه دختر جوان بعد از این تجاوز دچار مشکلات روحی شدیدی شده

بار دیگر مورد اعتراض قرار گرفت و دیوان عالی کشور هم بر نظر بنابرین قضات شعبه 77 هم رای بر اعدام متهم دادند. این حکم يك خود باقی ماند، بنابراین پرونده برای تعیین تکلیف به هیات عمومی دیوان عالی کشور رفت. 50

قاضی دیوان برای بررسی پرونده تشکیل جلسه دادند و در نهایت با اکثریت آرا مرد جوان را مجرم شناختند و رای دادگاه کیفری را مورد (منبع تایید قرار دادند).

پرونده برای طی کردن مراحل قانونی جهت اجرای حکم به دادسرای اجرای احکام فرستاده شد و روز گذشته پیشنهاد شد این مجرم در میدان آزادی اعدام شود.

قضات شعبه 77 برای بررسی این پیشنهاد تشکیل جلسه دادند که به زودی تصمیم خود را اعلام می‌کنند

قاضی عزیزی وکیل و قاضی سابق دادگستری در این زمینه می‌گوید: ممکن است متهم ابتدا نزد قاضی اقرار ولی بعد انکار کند که این جا قاضی می‌تواند با استفاده از علم خود حکم صادر کند. وی با اشاره به این که یکی از راه‌های دیگر اثبات جرم، حضور ۴ شاهد می‌باشد، گفت: زمانی که ۴ شاهد برای اثبات جرم وجود نداشته باشد، قاضی می‌تواند به علم خود رجوع کند.

قانون پاسخگو نیست

امیر کریم نیا کارشناسی ارشد حقوق خصوصی و وکیل پایه یک دادگستری نیز معتقد است: اگر به دیده تحقیق بنگریم، معلوم می‌شود که تجاوز به عنف، در سیستم قضائی ایران قابل اثبات نیست. زیرا متهم اقرار نمی‌کند. اگر برای اقرار وی نیز شرایط خاصی قائل شویم، اقرار موضوعاً منتفی است.

چون فرض بر این است که تجاوز با زور و عنف صورت گرفته است، لذا شاهی نیز نمی‌تواند وجود داشته باشد در نتیجه فعل ارتكابی را نمی‌توان ثابت کرد.

چنان دلیلی که ایمان قاضی را به معنوی پیدا کرده است. آن - های اثبات دعوی کیفری جنبه علمی چنانکه گفته شد در دنیای امروز راه وقوع جرم تقویت می‌کند و برای او جای تردید باقی نمی‌گذارد.

در چنین دنیایی قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران و در کنار آن رویه‌های قضائی و عملکرد دادگاه‌ها برای این ادله جایگاهی نمی‌شناسد و به ویژه جرائم منافی عفت را تنها با راه‌های سنتی قابل اثبات می‌داند.

- تردیدی نیست که دلایل علمی. کنداندازد و موجبات نگرانی شهروندان را فراهم می‌روشی که امنیت جامعه را سخت به مخاطره می‌معنوی می‌تواند در کنار دلایل قانونی و در جهت تکمیل آنها کاربرد داشته باشد.

تواند پاسخگوی نیازهای واقعی جامعه امروزی ایران باشد. اصلاح قوانین موضوعه با این دیدگاه می‌اما آیا اقرار زانی که مورد تجاوز قرار گرفته اند، نمی‌تواند دلیلی محکم برای صدور حکم از سوی قاضی شود.

سیدجلال عزیزی گفت: طبق شرع و قاعده حقوقی اقرار هر کسی علیه خودش نافذ است ولی اقرار زانی که مورد تجاوز قرار گرفته اند، (منبع برای علم قاضی مهم است و جزو قرائن و شواهد محسوب می‌شود).

وکیل قوه قضاییه می‌گوید: در هر جای کشور که دادگاه کیفری حکمی مثل حکم اعدام یا تبرئه صادر کند، حکم برای تایید باید به دیوان عالی کشور ارسال شود و اگر دیوان عالی رای دادگاه کیفری را نقض کرد، پرونده را به شعبه هم عرض در دادگاه همان استان ارجاع می‌دهد و اگر دادگاه هم عرض، هم بر خلاف نظر دیوان عالی رای داد و همان حکم شعبه اولی را صادر کرد، این حکم به شعبه دیوان عالی که قبلاً حکم را نقض کرده می‌رود و در آن جا این شعبه موضوع را به هیئت عمومی دیوان ارجاع می‌دهد و می‌نویسد که مثلاً رای ما، قتل متهم است ولی هم شعبه اولیه دادگاه کیفری و هم شعبه هم عرض نظر ما را نپذیرفتند و حکم به تبرئه دادند و ما صالح به رسیدگی این موضوع نیستیم.

عزیزی افزود: متعاقب این موضوع، پرونده در هیئت عمومی دیوان عالی کشور که متشکل از سه چهارم قضات حدود ۳۳ شعبه اعم از رئیس، مستشار و عضوهای معاون هستند، بررسی می‌شود و در آن جا ابتدا دادستان کل کشور یا نماینده او سخنانی را ایراد می‌کند و بعد موافقان و مخالفان حکم دیوان عالی نظرات خود را می‌گویند. در آخر نیز دادستان و یا نماینده او نظر خود را درباره حکم پرونده می‌می‌گویند به «رای اصراری» گوید و سپس رای گیری می‌شود و هر رایی که اکثریت داد را انشا می‌کنند و آن رای را که اصطلاحاً به آن هیئت عمومی دیوان عالی کشور رای بدهند. همراه پرونده، به شعبه دیگری از دادگاه کیفری استان ارسال می‌کنند تا